

مردی از جنس شفافیت

ساره میرحسینی

گزارش

در مرکز چانه‌ی بودجه‌های بخش‌های فرهنگی سیرجان را بزند و دست واسطه‌گری کرمان را برای رسیدن این بودجه‌ها به سیرجان تا جای ممکن کوتاه کند.

به هرحال معادن سیرجان درآمد سرشاری را نصیب پایتخت می‌کند و ستم است اگر بخشی از همین درآمدها خرج شهر خودمان نشود. آخر شهری که نه از عمران عادی شهرسازی دیگر شهرها بهره‌ای دارد و نه امکانات خاصی دارد، چگونه قرار است به توسعه برسد؟ فقط با جذب بی‌رویه‌ی نیروی کار از سراسر کشور و خانواده‌هایشان در سیرجان؟ این شهر بزرگ و فربه شده، پردیس سینمایی مجهز نمی‌خواهد؟ سالن حرفه‌ای تیاتر و اجرای کنسرت نمی‌خواهد؟ امکانات ورزشی بیشتر نمی‌خواهد؟ همه‌ی این‌ها مسائل پیش روی نماینده شهر است کما اینکه در کنار آن نماینده سیرجان و بردسیر نماینده کل کشور هم هست و خواستن این چیزها برای سیرجان باید در جهت منافع ملی باشد. به هرحال انتخابات هم تمام شده و این نوشته سعی دارد به دور از هیاهوی انتخاباتی و تبلیغاتی، برخی چالش‌های نمایندگی را گوشزد کند و فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی نماینده‌ی مجلس دوازدهم را برشمارد.

جناب معتمدی‌زاده در میان شعارهاشان حرف از توجه به کشاورزی و عدالت در عدم توجه بیش از حد به هوی آن یعنی صنعت و معدن گفته بودید. این شعار نشان می‌دهد که به خاطر عملکرد صرفاً محلی نمایندگان سابق، شما نیز به نگاه کلان‌تر و مسئولیت ملی به مفهوم نمایندگی نیاز دارید. کشاورزی در طول چند دهه به میزان قابل توجهی آب زیرزمینی هدر داده و در کنار این ضرر کلان به همه مردم یک شهرستان، تنها به عده‌ای کشاورز و خانواده‌هایشان نفع و سود سرشار رسانده است.

اگر بی‌عدالتی‌ئی این میان اتفاق افتاده باشد، به مردم عادی شده است. بنابراین بهتر است پیش از هر برنامه‌ریزی در هر بخشی، عواقب و ابعاد همه جانبه‌ی آن را بسنجید. جا دارد که نمایندگی را در جایگاه واقعی خود یعنی قانون گذاری و نظارت بر کار اجرای دولت ببینید. اینکه نماینده بخواهد به روش برخی نمایندگان به نوعی دولت محلی به حساب بیاید و خواسته‌های عمرانی و موقت مردم را برآورده کند.

خودش هم اخیراً با گفتن جمله‌ی همه را بخشیدم، به این موضوع واقف است. چون وکالت موکلان از روی کینه و عناد شدنی نیست.

نکته‌ی دوم این است که معتمدی‌زاده برخلاف رقیب اصلی‌اش، از فضای سیرجان و بردسیر دور نبوده و به خاطر رسانه‌ای بودن نیز مشکلات توسعه‌نامتوازن این دو شهر را به خوبی می‌شناسد. اینکه صنعت چه کار با اقتصاد سیرجان کرده و چه تورمی را ایجاد کرده است. اینکه زیرساخت‌های فرهنگی به میزان افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت در این حوزه‌ی انتخابی ایجاد نشده است. اینکه چگونه کرمان به عنوان مرکز استان در دو بخش میراث فرهنگی و صنایع دستی و گردشگری و حوزه اداره ارشاد به عنوان متولی فرهنگ و هنر به سیرجان کاری برای این قشر فرهنگی نکرده و متولیان امر با اصرار بر

انتخاب مدیرانی غیربومی

که دلی برای این شهر و مشکلات ریز و

درشت فرهنگی‌اش نمی‌سوزانند.

نه رسانه‌ها در برابر سیل این همه پیچ رسانه‌ای و بلاگری بدون مجوز حمایت می‌شوند و نه در خور بزرگی شهرستان و جمعیتش مراسم فرهنگی و هنری و آموزشگاه دایر می‌شود تا نوجوانان و جوانان کمتر به سمت بزهکاری بروند.

در بخش آموزش و پرورش به میزان نیاز مدرسه دولتی با کیفیت وجود ندارد تا تحصیل در سیرجان طبقاتی و اشرافی نشود و خانواده‌های کم درآمد از حداقلی از برابری آموزشی برخوردار باشند.

لذا ابتدایی‌ترین

خواسته از محمد

معتمدی‌زاده به

عنوان نماینده

سیرجان این

است که

حالا که پس از ۱۶ سال قرار است هوای سیاسی سیرجان عوض شود و بالاخره یک فرد دیگری جز نماینده سابق با سبقه‌ی سیاسی دیگری و سن و سالی جوان‌تر از سوی مردم سیرجان و بردسیر روی صندلی‌های بهارستان بنشینند، فضا را مناسب دیدیم که نامه‌ای سرگشوده خطاب به منتخب مردم بنویسیم. مردی از جنس رسانه‌ها که امید می‌رود تا وقتی نماینده است، شفاف کار کند و چیز پنهانی از موکلانش نداشته باشد. نخستین نکته اینکه معتمدی‌زاده به محض ورود به بهارستان باید خود را وکیل همه‌ی مردم حوزه‌ی انتخابیه بداند.

معتمدی‌زاده نماینده همه است و خوشبختانه

